رضا شفیعی‌جم و بهاره رهنما در «پیشی میشی»

رضا شفیعی‌جم و بهاره رهنما به فیلم سینمایی «پیشی میشی» به کارگردانی حسین قناعت پیوستند.

آن‌طور که سینماپرس گزارش می‌دهد، کمدی خانوادگی پیشی میشی به تهیه‌کنندگی احمد احمدی و کارگردانی حسین قناعت مراحل پایانی پیش‌تولید را طی می‌کند و به‌زودی فیلمبرداری آن آغاز می‌شود.

رضا شفیعی‌جم و بهاره رهنما نخستین بازیگرانی هستند که برای ایفای نقش‌های اصلی در این فیلم قرارداد امضا کرده‌اند.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «هیچ عشقی به اندازه عشق فرهاد به ملوس، پرشور و دردسرساز نیست، شاید به خاطر شباهت فرهاد به آلن دلونه که همه رو عاشق خودش می‌کنه».

حسین قناعت از کارگردان های شناخته شده سینمای کودک و نوجوان است و فیلم هایی چون دزد و پری، قهرمانان کوچک و لازانیا را در کارنامه دارد.

گروه فیلمسازی ساواک تقدیم می‌کند!

شکارچی گوزنها

پیرو انتشار پایان ساختگی فیلم ماندگار کیمیایی، آن را با پایان اصلی مقایسه کرده‌ایم

علی رستگار

سینما

در همه سال‌ها می‌دانستیم که «گوزنها»، پایان دیگر و تحمیل شده‌ای هم دارد و حتما عده‌ای از آن نسل سینماروی قدیم، آن پایان ساختگی را هم دیده‌اند، اما تا به چشم‌مان نمی‌دیدیم، باور نمی‌کردیم که پایان یکی از مهم‌ترین و ماندگارترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران، اینقدر نچسب و باسمه‌ای باشد و یک‌تنه قدرت داشته باشد، سریک فیلم خوب را زیرآب کند.

انتشار پایان ساختگی و تغییریافته گوزنها که بتازگی در گفت‌وگوی تصویری هوشنگ گلمکانی با مسعود کیمیایی و در قالب برنامه «فیلم‌کات» و به بهانه انتخاب گوزنها به عنوان بهترین فیلم تاریخ سینمای ایران در نظرسنجی ماهنامه فیلم از برخی منتقدان و نویسندگان صورت گرفت و بلافاصله هم به شکل فراگیری در فضای مجازی دست به دست شد، قطعا مهم‌ترین رویداد و اتفاق این چند روز اخیر سینمای ایران است؛ حالا همه مردم می‌توانند پس از سال‌ها دستپخت مضحک و بدمزه ساواک را در پایان‌بندی فیلم گوزنها ببینند و آن را با پایان اصلی و واقعی فیلم و همان که مورد نظر کارگردان فیلم است، مقایسه کنند.

ماجرا از آنجا شروع شد که پس از نمایش موفق فیلم در سومین جشنواره جهانی فیلم تهران در آذر ۵۳، ساواک سازندگان فیلم، مهدی میثاقیه (تهیه‌کننده) و مسعود کیمیایی (نویسنده و کارگردان) را احضار کرد و خواستار تغییر پایان قصه فیلم شد. سازندگان گوزنها طی این رفت و آمدها و احضارها به ساواک، سرانجام تسلیم فشار سازمان اطلاعات و امنیت حکومت پهلوی شدند و یک روز، خود ساواکی‌ها با کارگردان، صدابردار و احیانا فیلمبرداری آمدند و پایان ساختگی و موردنظر خودشان را فیلمبرداری کردند و رفتند!

اگرچه تماشاگران در اکران عمومی فیلم و در سال ۵۴، همین پایان ساختگی و جعلی را دیدند اما خیلی‌ها همان زمان می‌دانستند که پایان اصلی فیلم چیز دیگری است. همان پایان اصلی هم بود که سرانجام راهش را در دل تاریخ باز کرد و ماند و مردم در سال‌های پس از انقلاب و در قالب نسخه‌های ویدئویی و بعدها در قالب نسخه‌های لوح فشرده و در سال‌های اخیر هم با کیفیت خوب و در قالب فایل تصویری و دانلودی بارها دیدند شد، آنقدر که خیلی‌ها لحظه به لحظه رفاقت سیدرسول و قدرت را ازبر هستند و با آن خاطره‌ها دارند.

ساواک را چه به سینما؟

حتما این پایان (سکانس شش دقیقه‌ای) ساختگی را در این چند روز در فضای مجازی دیده‌اید یا به احتمال قوی جزو اولویت‌های شما برای تماشا خواهد بود. ما اینجا نگاهی مقایسه‌ای داریم به این دستکاری سینمایی ساواک با پایان اصلی فیلم و این‌که ساواک، چه تغییرات مضحکی در فیلم انجام داد تا ضمن اعلام برائت و موجه جلوه دادن خودش، توپ خرابکاری را در زمین چهره‌های چریک و مبارز فیلم همچون قدرت بیندازد و آنها را شخصیت‌هایی نامرد و نارفیق نشان دهد.

پیش از دخالت علنی ساواک در فیلم گوزنها و بر اثر فشار سیستم نظارتی وقت، مسعود کیمیایی ناچار شده بود برای مجوز گرفتن فیلمنامه، شخصیت چریک و مبارز فیلم، قدرت را به یک دزد بانک تبدیل کند، با این حال در فضای انقلابی آن سال‌ها، تماشاگران نکته را درباره این شخصیت گرفته بودند و می‌دانستند او با آن عینک فریم درشت، مبارزی است که علیه حکومت پهلوی فعالیت می‌کند.

اولین تفاوت سکانس ساختگی با سکانس واقعی گوزنها در دکوپاژ خودش را نشان می‌دهد؛ در فیلم جعلی، سید با مامور ساواک (که ایرج رضایی به جای او حرف می‌زند) در گوشه‌ای از حیاط و زیر یک درخت حرف می‌زند. این همسطحی و نزدیکی بیش از حد سید و مامور ساواک همراه لحن نسبتا آرام مامور، همگی در حکم یک پاس گل به ساواک است، به این معنی که ماموران حکومت حتی در چنین شرایطی این همه نرمش به خرج می‌دهند. در حالی که دکوپاژ فیلم اصلی، در این سکانس به کلی متفاوت است و ساواکی‌ها حالتی خشن و تهدیدکننده دارند؛ سید را در نمای سرپایینی می‌بینیم که در ورودی خانه ایستاده و دورتادور او و بالای پشت بام خانه‌های اطراف، پر از مامور است. مامور اصلی ساواک هم با صدای سیامک اطلسی با لحن محکم و آمرانه‌ای با سید صحبت می‌کند که: «هی با توام! گوشاتو خوب واکن...»

سید در فیلم ساختگی، دیالوگ‌های کوتاهی در جواب دستور مامور ساواک می‌گوید: «نوکرتم. خیلی آقایی، میارمش.» اما وقتی آن را با دیالوگ‌هایی در همین فضا در فیلم اصلی مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم، سید چون به ساواکی‌ها و آژان‌ها اعتماد ندارد، بیش از اندازه وقت صرف می‌کند تا با ماموران حرف بزند: «پس بگین ما رفتیم تو حیاط این آژان‌ها گوله موله به ما نزنن! نوکرتم، کارِ دیگه.»

از دیگر تفاوت‌های اساسی سکانس ساختگی توسط ساواکی‌ها با پایان واقعی گوزنها، گریم، جنس و کیفیت بازی‌ها و متن ضعیف آن است که نسبتی با دیگر بخش‌های فیلم ندارد. گریم بهروز وثوقی، بازیگر نقش سید نسبت به فیلم اصلی تغییراتی دارد و به گفته گلمکانی در همان گفت‌وگوی «فیلم» و به تایید کیمیایی، پروتزی که در صحنه‌های دیگر روی دندان‌هایش گذاشته بودند، اینجا نیست. بازی‌های فیلم در این سکانس جعلی بد است، به‌ویژه فرامرز قریبیان، بازیگر نقش قدرت که بسیار گل درشت و اغراق‌شده بازی می‌کند و دیگر نشانی از آن قدرت دوست داشتنی و باوفای قبلی ندارد. دیالوگ‌ها ظاهرا با توجه به شیوه دیالوگ نویسی مسعود کیمیایی نوشته شده، اما نتیجه خنده‌دارشده و نه در ظاهر و نه در مفهوم، با کیمیایی در اوج آن زمان، سنخیتی ندارند. راستش از سنخیت این نوع نوشتار و این پریشانی تصویر، با کیمیایی حالا نظری نمی‌دهیم!

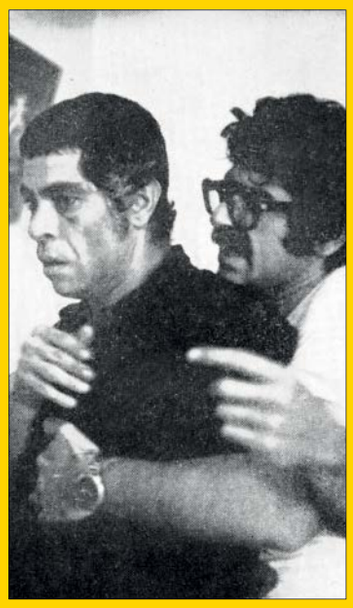

استفاده از واژه لو دادن هم در همین چند دقیقه، به شکلی مسخره انجام و تکرار می‌شود. قدرت، سید را متهم می‌کند که او را به ماموران لو داده است! دوربین این لحظه زوج میانسال همسایه با بازی زنده یادان جهانگیر فروهر و پروین سلیمانی را نشان می‌دهد که برای سید، اظهارنگرانی می‌کنند و زن می‌گوید: «نکشنش طفل معصوم رو.» همه اینها به اضافه لحن تند و چشمان از حدقه بیرون زده، قرار است تصویری خشن و بی‌رحم و نامرد از قدرت به عنوان یک چریک و مبارز انقلابی بسازد. ساواکی‌ها حتی به این هم راضی نمی‌شوند و قدرت در ادامه به رفیقی که به او پناه داده، شلیک می‌کند. گروه فیلمسازی ساواک، پا را از این هم فراتر می‌گذارند و توپ لودادن را به زمین محمد (یک مبارز دیگر با بازی پرویز فنی زاده) شوت می‌کنند و سید می‌گوید: «شاید همون ممدی که تو اتاق اموتش دادی، تو رو لوت داده!» یعنی می‌خواهند با یک تیر، دو نشان بزنند و چهره‌های مبارز فیلم را خبرچین و بدنام جلوه دهند.

در پایان ساختگی، وقتی قدرت دست‌هایش را به نشانه تسلیم بالا می‌آورد، سید را می‌بینیم که با لبخند، رضایتش را از این تصمیم اعلام می‌کند! این را مقایسه کنید با همه دیالوگ‌های بی‌نظیری که سید، در همراهی با دوستش قدرت می‌گوید. ضمن این‌که یادمان نرود گلوله‌ای که سید در پایان جعلی از دوستش می‌خورد، در نسخه اصلی از سوی ساواکی‌ها به سمت او شلیک می‌شود.

تنها امتیاز نسخه جعلی نسبت به فیلم اصلی، آن نمایی است که قدرت اسلحه را کنار گلدان لب پنجره می‌گذارد که این هم به گفته کیمیایی، کار ساواکی‌ها نبوده بلکه او آن را بعد از دخالت ساواک، فیلمبرداری کرده و در فیلم گنجانده که از آن به عنوان ادامه مبارزه تعبیر شده است. باز در تفاوت‌های دو نسخه یکی این‌که در فیلم اصلی دو گلدان پشت پنجره می‌بینیم و در پایان ساختگی یک گلدان.

مماشات ساواک در ادامه صحنه‌ها، دیگر خیلی تصنعی و خنده‌دار می‌شود؛ وقتی قدرت به حیاط می‌آید و مقابل سید زانو می‌زند، همان مامور ساواکی ابتدای سکانس به همکارانش می‌گوید: «کاریش نداشته باشین، بذارین حرفشو بزنه!» که یعنی ما خیلی با متهم راه می‌آییم. این لطف و محبت تا پایان فیلم هم وجود دارد و ساواکی‌ها به نرمی و آرامی و مهربانی به سمت دستگیری او قدم برمی‌دارند و نشانی از هجوم و خشونت و حتی وظیفه‌شناسی مرسوم ساواک در آن نیست!

آخرین لگد ساواکی‌ها به کاراکتر قدرت، این دیالوگ خطاب به سید است: «... با هم کار شرافتمندونه می‌کنیم!» این اگر درباره دزدی بانک باشد، یک چیزی اما چون می‌دانیم و ساواکی‌ها هم می‌دانستند قدرت یک مبارز انقلابی است، آن‌وقت یعنی این‌که او کار شرافتمندانه‌ای نمی‌کرده است.

تنها دیالوگی که ساواکی‌ها عینا از سکانس پایانی و اصلی گوزنها حفظ کردند هم این بود که البته در پایان فیلم از آن استفاده می‌کنند: «تنمون ضایع شده، رفاقتمون که جایی نرفته.» دستشان درد نکند، زحمت شد برایشان!

سابقه سانسور در سینمای قبل از انقلاب

تغییر پایان گوزنها احتمالا یکی از مهم‌ترین دخالت‌های ساواک و حکومت پهلوی در سینمای ایران است، اما سینمای آن سال‌ها پیش از این باز هم طعم سانسور، توقیف و تغییر فیلم‌ها را چشیده بود و این‌طور نیست که فکر کنید آن‌موقع هم همه چیز گل و بلبل بود و در سینمای ایران و هرآنچه ساخته می‌شد به راحتی و بدون هیچ مشکلی روی پرده سینماها می‌رفت.

آن‌طور که در شماره ۵۵ ماهنامه ۲۴ و در مطلبی با عنوان فیلم کاغذ قیچی آمده، چند فیلم در سینمای پیش از انقلاب ایران، گرفتار سانسور شدند. از اولین فیلم ناطق ایرانی، دختر لر که با فشار دربار، پایان فیلم تغییر می‌کند، چون سازندگان آن ایران زمان مشروطه را ناامن نشان داده بودند تا آغامحمدخان، همه گناهکاریم، چشم به راه و جنوب شهر، از دیگر فیلم‌هایی است که حکومت وقت، دستور به تغییر برخی سکانس‌های آن داد. دلیل اصلی این سانسورها هم این بود که حکومت خوش نداشت مردم، زشتی و فقر و دیگر مشکلات جامعه را در فیلم‌ها ببینند.

پاهای زشت و شاخ‌های زیبا

مسعود کیمیایی در بخشی از گفت‌وگو با هوشنگ گلمکانی بار دیگر اشاره می‌کند که دلیل انتخاب نام «گوزنها» برای این فیلم چیست. استاد هم توضیحاتی می‌دهد از این قبیل که گوزن پاهای زشتی دارد که باعث خوب دویدن و فرارش می‌شود و در عوض شاخ‌های زیبایی دارد که باعث می‌شود به درخت‌ها گیر کند و گرفتار شود؛ وضعیتی شبیه آنچه شخصیت‌های اصلی گوزنها دارند.

یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ ایران، آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۵۷ بود که هنگام اکران فیلم گوزنها اتفاق افتاد و طی آن بیش از ۴۲۰ نفر در آتش سوختند. عامل اصلی این جنایت ساواک بود

برای اطلاع از چندو چون پرماجرای این پایان ساختگی گوزنها، حتما گفت‌وگوی تصویری هوشنگ گلمکانی و مسعود کیمیایی را در برنامه فیلم کات ببینید و متن مصاحبه را هم در شماره ۵۵۹ مجله فیلم بخوانید

راش

نمایش ۴ فیلم کانون در جشنواره «کارتون کلاب» ایتالیا

چهار فیلم کارتونی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در بخش مسابقه سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی «کارتون کلاب» ایتالیا نمایش داده شد.

آن‌طور که مهر گزارش داده، کارتون کوتاه «ماهیگیر و بهار» به کارگردانی سیدحسن سلطانی، «گرگم و گله می‌برم» اثر امیرهوشنگ معین، «باد دوچرخه‌سوار» ساخته نازنین سبحان‌سربندی و «کاش یک برادر داشتم» به کارگردانی ناهید شمس‌دوست در بخش مسابقه سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی کارتون کلاب (Cartoon Club Award) ایتالیا به نمایش درآمد.

جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کارتونی و کمیک و بازی‌های کارتون کلاب ایتالیا که از سال ۱۹۸۵ راه‌اندازی شده تاثیر قابل توجهی بر فیلم‌های کارتونی، کوتاه و به‌ویژه داستان، آموزشی و تجربی با گرافیک رایانه‌ای داشته‌است.

سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کارتونی کارتون کلاب از ۲۲ تا ۳۰ تیر ۱۳۹۸ برابر با ۱۳ تا ۲۱ جولای ۲۰۱۹ در شهر ریمینی ایتالیا در حال برگزاری است.

تجلیل از ۴ هنرمند در جشن خانه سینما

مراسم بزرگداشت اکبر زنجانپور، بیژن محتشم، حسن زاهدی و سیروس الوند در بیست و یکمین جشن بزرگ سینمای ایران برگزار می‌شود. آن‌طور که ایسنا گزارش می‌دهد، این مراسم با حضور سینماگران، مسؤولان و دست‌اندرکاران فرهنگی و هنری کشورمان ساعت ۲۰ سه‌شنبه ۲۹ مرداد در تالار ایوان شمس برگزار خواهد شد.

سینما نیاز به حرف‌های جدید دارد

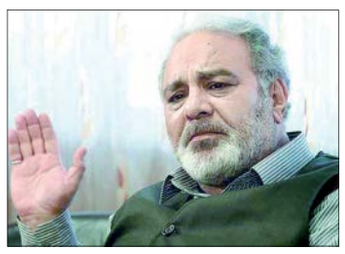

محمد کاسبی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون در پی اظهارات سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر نرفتن ۸۸ درصد مردم کشور به سینما گفت: دلایل دوری مخاطبان از سینما بسیار زیاد است و به یکی دو مورد بسنده نمی‌شود و اگر وضعیت به همین منوال پیش برود سال به سال شاهد کاهش شدیدتر میزان مخاطبان سینما خواهیم بود.

بازیگر فیلم‌های سینمایی «دیوار» و «مریم مقدس (س)» در گفت‌وگو با سینماپرس افزود: یکی از مسائل مهمی که می‌توان میزان بیشتری از مخاطبان را به سالن‌های سینما کشاند پایین آمدن هزینه بلیت است؛ در کشور ما قطعا افراد فراوانی وجود دارند که دوست دارند به سینما بروند اما مشکلات شدید مالی به آنها اجازه نمی‌دهد که بخشی از درآمد خود را صرف سینما رفتن کنند. او در همین راستا ادامه داد: وقتی روی حقوق کارگران و کارمندان رقمی ناچیز حدود ۴۰۰ هزار تومان اضافه شده اما قیمت اقلام و مایحتاج روزانه ضروری خانوار چند ده برابر افزایش پیدا کرده، معلوم است که مرد خانواده نمی‌تواند برای رفتن به سینما هزینه کند و تنها به فکر این است که مایحتاج روزانه خود و خانواده‌اش را تأمین نماید. این وظیفه مدیران فرهنگی و سینمایی است که قیمت بلیت‌ها را کاهش دهند تا همه اقشار جامعه بتوانند به سینما بروند و از کالای فرهنگی استفاده‌کنند.

او تأکید کرد: سینما نیاز به حرف‌های جدید دارد، سینما تنوع می‌خواهد، سینما تنها وسیله‌ای برای سرگرم کردن مردم نیست و باید چیزی به آنها اضافه کند اما افسوس که جای خالی همه اینها در سینمای امروز به‌شدت احساس می‌شود؛ من نمی‌دانم واقعا با این شرایط چرا برخی از بازیگران دستمزدهای آنچنانی می‌گیرند و در فیلم‌ها جولان می‌دهند در صورتی که دیگر حضورشان باعث فروش فیلم‌ها هم نمی‌شود، واقعا چرا برخی تهیه‌کنندگان حاضرند چنین دستمزدهای نجومی به این بازیگران کارنابلد پرداخت کنند، ا... اعلم!